

عنوان مقاله: رشد شهرنشینی در کشورهای در حال رشد

نویسنده: فریدون وحیدا

منبع: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان ۱۳۷۰ شماره ۲

صص ۱۳۲-۱۵۹

- شهرنشینی نزدیک به پنج هزار سال قبل از میلاد، یعنی پس از بازگشت چند هزار سال از آغاز کشاورزی و هنگامی شروع شده است که در پی تحولاتی که در امر کشاورزی رخ داده است کشاورزان توانسته اند کمی بیش از نیاز سالانه خود مواد غذایی تولید کنند. در واقع دستیابی به مازاد تولید در کشاورزی نخستین شرط آغاز شهرنشینی بوده است، چه این مازاد اجازه می داده است،

نخستین شرط آغاز
شهرنشینی

- بخشی از جمعیت بی آنکه کشاورزی بپردازند تغذیه شوند و هم اینان بوده اند که رفته رفته اولین جوامع شهری را پدید آورده اند (۱) بدین ترتیب میان درجه تحولات کشاورزی و در نتیجه میزان مازاد تولید مواد کشاورزی از یک سوی و تعداد جمعیت شهرنشین از سوی دیگر، ارتباطی مستقیم برقرار است و به همین دلیل است که طی هزاران سال پس از آغاز زندگی شهرنشینی، به علت کندی تحول در امر کشاورزی و عدم دستیابی به مازاد تولید قابل ملاحظه، بخش عظیم جمعیت کشورها، ساکن مناطق روستایی و دست اندرکار کشاورزی باقی ماند.

میزان مازاد تولید مواد کشاورزی

تعداد جمعیت شهرنشین

- این وضع تنها زمانی و در مناطقی که در تحولی در کشاورزی صورت پذیرفت رو به دگرگونی گذاشت، تحولی که هم زمینه ساز شروع انقلاب صنعتی بود و هم همراه با این انقلاب و به برکت نوآوری های آن، خود شتاب بیشتری یافت. در واقع افزایش جمعیت شهرنشین در پی انقلاب صنعتی و نخست در کشورهای در حال صنعتی شدن آغاز شده است و این افزایش همراه با پدید آمدن ثمرات اجتماعی- اقتصادی این انقلاب ویژه از اوایل قرن نوزدهم شتاب گرفته است.

ثمرات اجتماعی- اقتصادی

گسترش شهرنشینی در کشورهای صنعتی:

- در سال ۱۳۰۰ میلادی تنها ۱۰/۴ درصد جمعیت کشورهای اروپایی در شهرهایی با بیش از پنج هزار نفر جمعیت زندگی می کرده اند. این نسبت در سال ۱۸۰۰ میلادی به ۱۲ درصد افزایش یافته است. همان گونه که ملاحظه می شود پنج قرن گذشته است تا ۱/۶ درصد بر جمعیت شهرنشین کشورهای صنعتی شده افزوده گردیده است و به احتمال زیاد بخش عمده این افزایش طی نخستین قرن پس از شروع انقلاب صنعتی یعنی در طول قرن هجدهم حاصل شده است.

- از سال ۱۸۰۰ تا ۱۸۷۰ میلادی یعنی در طول هفتاد سال نسبت به شهرنشینی در این کشورها به ۲۵ درصد و پس از گذشت ۳۰ سال دیگر یعنی در ۱۹۰۰ میلادی به ۴۰ درصد می رسد.

- نتیجه آنکه در کشورهای صنعتی شتاب رشد شهرنشینی پی آمد انقلاب صنعتی و استقرار فعالیت های صنعتی در شهرها بوده است. البته تحول وسائل و ابزار کشاورزی نیز که خود از دستاوردهای انقلاب صنعتی است و نیاز بخش کشاورزی را به نیروی انسانی کاهش می دهد در جا به جا کردن جمعیت از روستاها به شهرها موثر بوده است.



- جابه جایی هر گاه بدین گونه و در پی این علل، یعنی افزایش نیاز به نیروی انسانی در بخشی و کاهش نیاز به این نیرو در بخشی دیگر صورت پذیرد، نه تنها نابسامانی هایی را در امور اقتصادی- اجتماعی باعث نمی گردد بلکه برعکس، به تعادل توزیع جمعیت فعال بین بخش های مختلف کمک می کند.

تعادل توزیع جمعیت فعال

نابسامانی ها در امور اقتصادی-
اجتماعی

- هر گاه به چگونگی جابه جایی جمعیت فعال بین سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات در کشورهای صنعتی نظری بیفکنیم، ملاحظه می کنیم که اگر قبل از رواج فعالیت های صنعتی قسمت عمده این جمعیت در بخش کشاورزی به کار مشغول بوده است، همراه با گسترش فعالیت های صنعتی و افزایش نیاز بخش صنعت به نیروی انسانی، رفته رفته بخش کشاورزی شماری قابل ملاحظه و فزاینده از جمعیت خود را به سود بخش صنعت از دست داده است.

افزایش نیاز بخش صنعت به نیروی انسانی،

- این جریان نه تنها از رواج و رونق کشاورزی نکاست، بلکه با کاسته شدن شمار کشاورزان و به کار افتادن وسایل و ابزار پیشرفته به جای آنان، تان تولیدی و درآمد خانواده هایی که در این بخش باقی ماندند، افزایش یافت و این خود مشوقی بود در ترویج و توسعه هر چه بیشتر کشاورزی اندکی بعد با تحولاتی که به تدریج در تکنولوژی تولید رخ داد.

رواج و رونق کشاورزی

- نیاز بخش صنعت به نیروی انسانی نیز رو به کاهش گذاشت و قسمتی از جمعیت شاغل در این بخش به بخش خدمات روی آورد. بدین ترتیب از آنجا که فعالیت های صنعتی و خدماتی بیشتر در شهرها صورت می پذیرد در پی نقل و انتقالاتی که از بخش کشاورزی به دو بخش صنعت و خدمات صورت گرفت جمعیت روستاها رو به کاهش گذاشت و به همان نسبت بر جمعیت شهرها افزوده شد، بی آنکه در امر اشتغال نابسامانی یا بحرانی سخت پدید آید.

فعالیت های صنعتی و خدماتی

گسترش شهرنشینی در کشورهای غیر صنعتی:

- توسعه شهرنشینی در کشورهای غیر صنعتی، عوامل و انگیزه هایی کاملاً متفاوت داشت. در این کشورها شتاب گرفتن آهنگ رشد جمعیت و افزایش انفجار گونه جمعیت از عوامل بسیار موثر بر گسترش شهرنشینی و پدید آمدن شهرهای میلیونی است. در واقع تحولاتی که در قرون هجده و نوزده در امور بهداشتی و درمانی کشورهای صنعتی رخ داد و از میزان مرگ و میر در آن کشورها کاست در سال های پس از جنگ دوم جهانی در بیشتر کشورهای غیر صنعتی به وقوع پیوست توسعه خدمات بهداشتی و درمانی در این کشورها و گسترش این خدمات به مناطق روستایی، میزان مرگ و میر را به یکباره رو به کاهش برد.

امور بهداشتی و درمانی

- اگر در گذشته از ۱۰۰۰۰ نوزاد بیش از ۵۰۰ تن پیش از رسیدن به سن ازدواج می مردند و اگر فرزندان در سنین ۱۴ یا ۱۵ سالگی معمولاً پدر و مادر خود یا یکی از آنان را از دست می دادند. پس شمار آنان که به سن ازدواج نمی رسند، بسیار اندک است و پرشمارند کسانی که در سنین پنجاه سالگی پدر یا مادر و گاه هر دو را در کنار خود دارند

- همراه با کاهش میزان مرگ و میر بر طول زندگی زناشویی نیز افزوده شد و این خود به معنای افزایش فرصت های فرزندآوری است بدین ترتیب هم از میزان مرگ و میر کاسته شد و هم بر عوامل و شرایط موثر در افزایش میزان زاد و ولد افزوده گشت (افزایش شمار کسانی که به سن ازدواج می رسند و نیز افزایش طول زندگی زناشویی) و در نتیجه جمعیت این کشورها به حرکتی را در جهت رشد آغاز کرد که هنوز هم با سرعت تمام ادامه دارد، چه شرایط لازم برای کاهش آن پدید نیامده است.

- اجباری شدن تحصیلات که فرزند را برای خانواده به صورت عضوی مصرف کننده در می آورد، چه مبلغی را برای تحصیلات فرزندان به خانواده ها تحمیل می کند، توسط بازار اشتغال که موجبات استخدام و اشتغال زن و شوهر را بیرون از منزل فراهم می سازد و در نتیجه فرصت های فرزندپروری را کاهش می دهد و نیز ریشه کن کردن بیسوادی و اعتلای سطح آموزش مردم که آنان را بیشتر و بهتر به وظایف و مسئولیت های خانوادگی متوجه می سازد از جمله عوامل و شرایط موثر در مهار کردن رشد جمعیت به شمار می آیند.

اجباری شدن تحصیلات

- از آنجا که این شرایط چنانکه باید در کشورهای غیر صنعتی پدید نیامده و توجه دولت ها به کنترل جمعیت نیز در بیشتر موارد به جایی نرسیده است، جمعیت اغلب این کشورها بی وقفه به رشد شتابان خود ادامه می دهد و این رشد معمولاً در مناطق روستایی بیش از شهرها است. بیشتر روستاهای کشورهای غیر صنعتی به ویژه آنهایی که در مناطق خشک واقعند و توسط چشمه ها یا قنوات آبیاری می شوند، ظرفیتی محدود دارند و جمعیتی محدود و مشخص می توانند در خود نگاه دارند و به کار گیرند. زمین های زیر کشت این روستاها قابل گسترش نیستند، چه منابع آب آنها محدود است.

ظرفیت محدود

- دیگر کارهای اشتغال را نیز مانند برخی از منابع دستی، که گاه در مناطق روستایی رواج دارند. از چنان ظرفیتی برخوردار نیستند که بتوانند جمعیت افزوده شده روستاها را به کار گیرند نتیجه آن که در این کشورها، همراه با افزایش رشد جمعیت مهاجرتی از مناطق روستایی به سوی شهرها آغاز گشت که با آنچه که در قرون هجده و نوزده در کشورهای صنعتی رخ داد، از جهاتی متفاوت است:

- در کشورهای صنعتی همان گونه که ملاحظه شد، مهاجرت از روستاها به شهرها با افزایش تقاضای نیروی انسانی، نخست در بخش صنعت و سپس در بخش خدمات همزمان بود، حال آنکه در کشورهای غیر صنعتی جمعیت افزوده شده و بیکار روستایی زادگاه خود را رها کرده، راهی شهرها می شوند، بی آنکه تقاضای نیروی کار در شهرها افزایشی متناسب یافته باشد.

افزایش متناسب

- در کشورهای صنعتی مهاجرت روستاییان و در نتیجه توسعه شهرنشینی به کندی و در بستر زمانی گسترده صورت گرفته، در حالی که این حرکت در کشورهای غیر صنعتی بسیار سریع و این کشورها بخش اعظم راهی را که ممالک صنعتی طی چند قرن پیمودند، تنها در چند دهه طی کردند.

توسعه شهرنشینی

- در کشورهای صنعتی بخش اعظم جمعیتی که از روستاها به شهرها مهاجرت می کردند، به کارهایی مولد مشغول می شدند، در حالی که در کشورهای غیر صنعتی روستاییانی که به شهرها می آیند غالباً بیکار می مانند یا مشاغلی غیر رسمی و بیشتر کم درآمد برای خود دست و پا می کنند که غیر مولد بوده و در واقع سرپوش است و بیکاری آنان.

- در کشورهای صنعتی با مهاجرت روستاییان به شهرها از جمعیت روستاها کاسته و بر جمعیت شهرها افزوده شد، در حالی که **مهاجرت روستاییان کشورهای غیر صنعتی کاهشی را در جمعیت روستایی باعث نمی شود** در این کشورها جمعیت های روستایی علیرغم مهاجرتی که در جریان است به علت بالا بودن میزان زاد و ولد پیوسته رو به افزایش است.

- در کشورهای صنعتی ابعاد این مهاجرت کاهش بسیار یافته و در مواردی تقریباً متوقف شده است ولی در کشورهای غیر صنعتی مهاجرت در ابعاد فزاینده ای ادامه دارد و با توجه به تداوم رشد شتابان جمعیت و بالا بودن درصد کشاورزان این کشورها نسبت به کل جمعیت آنها فعلاً پایانی هم بر آن متصور نمی تواند بود.

- پی آمد این تفاوت ها، نابسامانی ها و دشواری هایی است که در بیشتر شهرهای بزرگ کشورهای غیر صنعتی به چشم می خورد، بیکاری و بیکارگی، گسترش زاغه نشینی و پی آمدهای ناگوار اجتماعی آن، ناتوانی شهرها در پاسخگویی به پاره ای از نیازهای اساسی، (آب آشامیدنی، برق، بهداشت...) پدیدآمدن پاره ای دشواریها و نارسایی ها(ترافیک، آلودگی محیط زیست) و غیره.

پدیدآمدن پاره ای دشواریها و نارسایی ها

جمعیت روستایی و شهری کشورهای صنعتی و غیر صنعتی به میلیون نفر

سال	کشورهای صنعتی			کشورهای غیر صنعتی		
	روستایی	شهری	جمع	روستایی	شهری	جمع
۱۹۵۰	۳۹۰	۴۴۰۰	۸۳۰	۱۳۸۰۰	۲۹۰	۱۶۷۰
۱۹۷۵	۳۴۰	۷۵۰	۱۰۹۰	۲۱۷۰	۸۱۰	۲۹۸۰
۲۰۰۰	۳۸۰	۹۹۰	۱۲۷۰	۲۸۹۰	۱۹۶۰	۴۸۵۰
۲۰۲۵	۲۰۰۰	۱۱۹۰	۱۳۹۰	۲۸۶۰	۳۹۱۰	۶۷۷۰

- در جدول فوق از آنچه که برای دهه های آینده پیش بینی شده است، فعلا صرف نظر می کنیم و تنها به **مقایسه تغییرات جمعیت های شهری و روستایی** در کشورهای صنعتی و غیر صنعتی طی ۲۵ سال فاصله سال های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۵ می پردازیم که ملاحظه می شود در این فاصله از جمعیت روستایی کشورهای صنعتی ۵۰ میلیون نفر کاسته شده و بر جمعیت شهری آنها ۳۱۰ میلیون نفر افزوده شده است، افزایش جمعیت کل آنها برابر ۲۶۰ میلیون نفر بوده است در مقابل در کشورهای غیر صنعتی، هم بر جمعیت روستای افزوده شده است و هم بر جمعیت شهری، طی این ۲۵ سال بر جمعیت روستایی این کشورها ۷۹۰ میلیون نفر در جمعیت شهری آنها ۵۲۰ میلیون نفر و بر جمعیت کل آنها ۱۳۱۰ میلیون نفر افزوده شده است.

- در سال ۱۹۵۰ نرخ شهرنشینی در آسیا ۱۴٪ و در آمریکای لاتین ۴۰٪ بوده است، اینک ۲۶٪ جمعیت آسیا و ۶۴٪ جمعیت آمریکای لاتین شهرنشین است و این بدان معنا است که هنوز ۷۴٪ جمعیت آسیا و ۳۶٪ جمعیت آمریکای لاتین روستایی است به عبارت دیگر روستاهای کشورهای آسیا و آمریکای لاتین (و البته آفریقا نیز) هنوز می توانند توده های انبوه از جمعیت خود را راهی شهرها کنند.

- هرگاه برای آینده این کشورها ۲۰٪ کل جمعیت را برای مناطق روستایی در نظر بگیریم به این نتیجه می‌رسیم که طی دهه‌های آینده کشورهای آسیایی ۵۰٪ و کشورهای آمریکای لاتین ۱۶٪ دیگر از جمعیت خود را باید روانه شهرها سازند. جمعیتی که جابه‌جایی آن با توجه به عظمت ابعادش پدیده‌ای بی‌سابقه در تاریخ بشریت خواهد بود و البته این اتفاقی است که از این پس قسمت اعظم آن در کشورهای غیر صنعتی رخ خواهد داد، چه روستاهای کشورهای صنعتی از این پس جمعیت کل آنها نیز اگر **آهنگی منفی** به خود نگرفته باشد به هر حال حایز اهمیت نیست.

ردیف	۱۹۷۰	۱۹۸۵	۲۰۰۰
۱	نیویورک ۱۶۳۰۰۰۰۰	مکزیکو ۱۸۸۰۰۰۰۰	مکزیکو ۳۷۳۰۰۰۰
۲	توکیو ۱۴۹۹۰۰۰۰۰	توکیو ۱۷۳۰۰۰۰۰۰	سائوپولو ۲۴۰۰۰۰۰۰۰
۳	شانگهای ۱۱۴۰۰۰۰۰	سائوپولو ۱۵۹۰۰۰۰۰	توکیو ۱۷۷۱۰۰۰۰۰
۴	لندن ۱۰۶۰۰۰۰۰	نیویورک ۱۵۳۰۰۰۰۰	کلکته ۱۶۶۰۰۰۰۰۰
۵	منطقه راین رومر ۹۳۰۰۰۰۰۰	شانگهای ۱۱۸۰۰۰۰۰۰	بمبئی ۱۶۰۰۰۰۰۰۰
۶	مکزیکو ۹۳۰۰۰۰۰۰	کلکته ۱۱۶۰۰۰۰۰۰	نیویورک ۱۵۵۰۰۰۰۰۰
۷	بوئنس آیرس ۸۵۰۰۰۰۰۰	بوئنس آیرس ۱۰۹۰۰۰۰۰۰	سئول ۱۳۵۰۰۰۰۰۰
۸	لوس انجلس ۸۴۰۰۰۰۰۰	ریوداژنیرو ۱۰۴۰۰۰۰۰۰	شانگهای ۱۳۵۰۰۰۰۰۰
۹	پاریس ۸۳۰۰۰۰۰۰۰	ریودوژانیرو ۱۹۴۰۰۰۰۰۰	شانگهای ۱۳۵۰۰۰۰۰۰
۱۰	پکن ۸۳۰۰۰۰۰۰۰	بمبئی ۱۰۱۰۰۰۰۰۰	دهلی ۱۳۳۰۰۰۰۰۰

- در این جدول چند نکته مهم جلب توجه می کند:
- پرجمعیت شهر جهان در سال ۱۹۷۰ متعلق به جهان صنعتی و در سال های ۱۹۸۵ و ۲۰۰۰ متعلق به جهان غیر صنعتی است.
- در سال ۱۹۷۰ تنه چهار شهر ولی در سال ۲۰۰۰ هشت شهر جهان غیر صنعتی در جمع ده شهر بزرگ جهان که پرجمعیت ترین شهرها هستند قرار دارند.
- پرجمعیت ترین شهر سال ۲۰۰۰ ده میلیون نفر بیش از پرجمعیت ترین شهر سال ۱۹۸۰ سکنه دارد
- ساکنان دهمین شهر پرجمعیت دنیا در سال ۲۰۰۰، پنج میلیون نفر بیش از ساکنان دهمین شهر در سال ۱۹۷۰ هستند.
- جمعیت ده شهر پرجمعیت سال ۲۰۰۰ $۶۳/۹۰۰/۰۰۰$ نفر بیش از جمعیت ده شهر بزرگ سال ۱۹۷۰ است.

- بر اساس پیش بینی سازمان ملل متحد در حوالی سال ۲۰۲۵ میلادی تعداد شهرهایی که جمعیتی بیش از ۵ میلیون نفر خواهند داشت به ۹۳ خواهد رسید. بیشترین تعداد این شهرها (۸۰ شهر) و پرجمعیت ترین آنها متعلق به کشورهای غیر صنعتی خواهند بود. برای شهرهایی چون داکا، شانگهای، جاکارتا، کلکته، بمبئی، کراچی، دهلی، قاهره لاگوس و سائوپولو ۲۰ تا ۳۰ میلیون نفر و برای شهرهایی مانند ریودو ژانیرو، کینشازا، نایروبی، استانبول، بغدادف پکن و بانکوک ۱۵ تا ۳۰ میلیون نفر جمعیت پیش بینی می شود. جمعیت مکزیکو که هم اکنون از مرز ۳۰ میلیون نفر افزایش خواهد یافت. اگر جمعیت کنونی تهران را حدود ۸ میلیون نفر در نظر بگیریم و فرض کنیم که در آهنگ رشد آن که در دهه اخیر حدود ۲/۹ درصد (کمتر از رشد جمعیت کل کشور) بوده است.

- تغییر قابل ملاحظه ای رخ دهد، آهنگ رشدی که جمعیت را هر ۲۵ سال یکبار به دو برابر افزایش می دهد. با محاسبه ای ساده به این نتیجه خواهیم رسید که در سال ۲۰۲۵ جمعیت تهران نه فقط بدون شک به حد پیش بینی شده خواهد رسید بلکه در صورتی که سیاست هایی مناسب پیش گرفته نشود، به احتمال زیادی بسیار از آن حد فراتر خواهد رفت (۴)

آهنگ رشد جمعیت

- البته این واقعیت را نیز نباید از نظر دور داشت که اگر شهر تهران به علل گوناگون مهاجر پذیری خود را کم و بیش از دست داده است در برابر شهرها و روستاهای پیرامون آن به مقدار قابل ملاحظه ای بر مهاجر پذیری برخی از این مراکز (نرخ مهاجرپذیری کرج به عنوان مثال ۶/۱ درصد است) سرعت توسعه افقی تهران و مراکز تجمع پیرامونی و فواصل نسبتاً اندکی که بعضی از این مراکز را از تهران جدا می سازد، پیوستن تعدادی از این مراکز تا سال ۲۰۲۵ به تهران بعید به نظر می رسد در این صورت تهران و جمعیت آن ابعادی متفاوت با آنچه که پیش بینی شده است، خواهد داشت.

مهاجر پذیری

دشواریها:

- گسترش شتاب دهنده شهرنشینی در کشورهای غیر صنعتی بدون تردید با دشواریهای بزرگ و نگران کننده برای مسئولان و ساکنان شهرهای بزرگ این کشورها همراه خواهد بود.
- وقتی توجه شود که هر روز ۲۰۰۰ نفر بر جمعیت مکزیکو و هر ماه ۴۰۰۰۰ نفر بر جمعیت قاهره افزوده می شود و جمعیت ابیجان طی بیست سال به ۱۰۰ برابر و جمعیت تهران طی بیست سال (۱۹۵۰-۱۹۸۰) به ده برابر افزایش یافته است. دشواریهای سالم سازی زندگی و فضای زندگی در این شهرها و پاسخ گویی به نیازهای اساسی ساکنان بهتر آشکار می گردد از **دشواری ها و نارسایی های متعدد** تنها به چند مورد اشاره می کنیم.

امنیت ساکنان:

- مردم در محیط زندگی و محل سکونت خود نیاز به امنیت دارند وجود این امنیت را باید احساس کند و یا دست کم نباید پیوسته احساس نا امنی داشته باشد در مراکز کوچک تجمع مانند روستاها و شهرهای کوچک امن کردن محیط آسان است همه مردم یا اغلب با یکدیگر آشنا هستند و بر حال یکدیگر آگاه بیگانه ماندن اگر غیر ممکن نباشد حداقل دشوار است و به همین دلیل در این گونه مراکز نوعی نظارت اجتماعی خود به خود و غیر رسمی بر ساکنان اعمال می گردد که در به هنجار کردن رفتارها و روابط آنان موثر است و همین وضع به امنیت محیط کمک می کند

نوعی نظارت اجتماعی خود به خود و غیر رسمی

- بر عکس در شهرهای بزرگ نظارت غیر رسمی کارایی خود را از دست می دهد، چه مردم با هم بیگانه اند و برعکس محیط های کوچک چشمانی آشنا مراقب اعمال و رفتار و روابط آنان نیست حتی کم نیستند

- کسانی که برای فارغ ماندن از نظارت غیر رسمی سعی در بیگانه ماندن دارند و مثلاً با آنکه سال‌ها است با خانواده‌هایی همسایه‌اند، اما هرگز خانه‌هم را ندیده‌اند. در چنین محیط‌هایی کار نظارت و کنترل به عهده دستگاه‌های رسمی است و البته نظارت رسمی نمی‌تواند کارایی و عمق تاثیر نظارت غیر رسمی را داشته باشد هر اندازه ابعاد شهر و جمعیت آن وسیع‌تر باشد، کارایی این نظارت محدودتر می‌شود. دو چهره بودن شهرهای میلیونی جهان سوم یعنی وجود حلبی‌آبادها و رواج زاغه‌نشینی در کنار آسمانخراش‌ها و زندگی پر زرق و بر صاحبان مال و مکنت از ویژگی‌های چشمگیر این شهرها است محله‌های فقیرنشین و حلبی‌آبادها

حلبی‌آبادها و رواج زاغه‌نشینی در کنار
آسمانخراش‌ها

- بخش قابل ملاحظه از جمعیت این شهرها را در خود جای می دهند و گاه جمعیت این محله ها از جمعیت دیگر محله های شهر بسیار فراتر می رود(در کازابلانکا، ۷۰ درصد و در آدیس آبابا، ۹۰ درصد جمعیت ساکن محله های فقیر نشین هستند). **کارآیی دستگاه های رسمی نظارت در این محله ها باز هم کاهش می یابد و گاه به صفر می رسد و همراه با این کاهش بزه کاری ها و انحرافات به میزانی قابل ملاحظه افزایش می یابند.** در چنین شهرهایی ساکن این محله ها نه تنها خود امنیتی ندارند، بلکه امنیت ساکنان دیگر محله را هم به خطر می اندازند یا دست کم آنان را نگران امنیت خود می سازند.

آب آشامیدنی

- تامین آب آشامیدنی سالم برای ساکنان شهرهای پرجمعیت از دشواریهای بزرگ و گاه حل ناشدنی است، بسیاری از شهرهای میلیونی کشورهای غیر صنعتی با کمبود آب آشامیدنی روبرو هستند، در شهرهایی هم اقداماتش بر جهت پاسخگویی به این نیاز حیاتی صورت گرفته است، رشد شتابان جمعیت آنها و در نتیجه افزایش سریع مصرف مانع از آن شده است که امکانات فراهم شده پاسخ گویی نیاز فزاینده باشد، به عنوان مثال، در سال ۱۹۷۵ شرکتی فرانسوی برای تامین آب آشامیدنی ساکنان بمبئی به احداث کارخانه ای در این شهر اقدام کرد که قادر بود روزانه دو میلیون متر مکعب آب تصفیه کند. این کارخانه پس از گذشت سیزده سال یعنی در سال ۱۹۸۸ می توانست روزانه تنها به مدت دو ونیم ساعت آب در اختیار ساکنان قرار دهد(۵)

- نزدیک به نیمی از جمعیت بوئنس آیرس (جمعیت شهر در حدود ۱۱ میلیون نفر است) از آب آشامیدنی سالم محروم است و **بسیاری از ساکنان این شهر بشکه ای بر بام منزل خود گذاشته از آب بارانی که در آن جمع می شود استفاده می کند**، بخش قابل ملاحظه یا از جمعیت شهرهی بزرگ، به ویژه آنان که در آمدی اندک دارند، با این دشواری روبرو هستند، در شهرهایی چون لیما، آبیجان و مکزیکو به عنوان مثال کمبود آب آشامیدنی از جمله مسائل بزرگ مردم به حساب می آید قطع آب در ساعاتی از روز و فراخوانی مردم توسط مسئولان شهری به صرفه جویی در مصرف آن بیانگر وجود این واقعیت است.

ترافیک

- مشکل ترافیک در شهرهای پرجمعیت کشورهای جهان سوم دو چهره متفاوت دارد، در برخی از این شهرها به سبب **کمبود امکانات حمل و نقل شهری و عدم تناسب آنها با جمعیت فزاینده**، دشواری ناشی از عدم توانایی این امکانات در پاسخگویی به نیاز کسانی است که از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده می کنند. شهرهایی چون قاهره، مکزیکو، بمبئی و بانکوک به عنوان مثال، به ویژه با این دشواری روبرو هستند در برخی دیگر از شهرهای پرجمعیت دشواری ناشی از نبود اتوموبیل های شخصی است که بی آنکه از بار سنگین واسطه نقلیه عمومی به میزانی قابل ملاحظه بکاهند، خود مشکلات و ضایعاتی فراوان را سبب می شوند

- ایجاد راهبندان ها که باعث انقلاب میلیون ها ساعت وقت می گردد. تصادفات و تصادمات که سالانه باعث تلفات و خسارات جانی و مالی زیاد در شهرها می شود، آلوده سازی محیط چه به سبب دودزا بودن وسائط نقلیه و چه در نتیجه سر و صدای موتورها و بوق زدن های مکرر، جزئی ناچیز از این مشکلات و ضایعات به حساب می آیند.

آلوده سازی محیط

آلودگی های محیطی:

این دشواری ناشی از عوامل و شرایطی گوناگون است بیشتر شهر های پر جمعیت جهان سوم فاقد امکانات کافی و صحیح برای جمع آوری فاضلاب ها(برای آن که زیاد هم دور نرفته باشیم می توانیم به شهرهای بزرگ کشور خودمان و از جمله به تهران نگاه کنیم) و زباله های خود هستند، کم شمارند شهرهای بزرگ جهان سوم که از شبکه ای به کفایت گسترده از لوله کشی فاضلاب برخوردار باشند و در بیشتر شهرهایی که از این شبکه برخوردارند، بالا بودن بهای حق انتخاب مانع از آن می گردد که همه ساکنان بتوانند از آن استفاده کنند در مانیل ۱۱ درصد، داکا ۱۸ درصد، کراچی ۱۹ درصد و در دهلی ۳۰ درصد از ساکنان از انشعاب فاضلاب استفاده می کنند (۶)

حجم زیاد زباله های شهری نیز در این گونه شهرها و ناتوانی مسئولان در گردآوری آنها به گونه ای سریع و بهداشتی به **آلوده کردن محیط به ویژه در فصول گرم سال** کمک می کند جا به جا کردن هزارها تن زباله در روز، دور کردن آنها از شهرها و از میان بردن یا دفن کردن آنها به گونه ای که بهداشت محیط را به خطر بیندازد، کاربست سنگین و مبالغی را طلب می کند که تحمل آن برای بسیاری از شهرهای جهان سوم مقدور نیست

جا به جا کردن هزارها تن زباله در روز، دور کردن آنها از
شهرها و از میان بردن یا دفن کردن آنها

- مساله آلودگی هوا که به ویژه ناشی از دودزایی وسایط نقلیه و استفاده کارخانه ها و وسایل گرمای خانگی از مواد سختی نامناسب است، نیز نباید از نظر دور نگه داشته شود، درست است که **این مشکل تنها ویژه شهرهای بزرگ جهان سوم نیست** و شهرهایی چون آتن، توکیو و لوس آنجلس اغلب اوقات دارای هوایی بسیار آلوده هستند

- ولی آلودگی به اندازه ای است که تهران در میان شهرهای بزرگ جهان مقام نخست را کسب می کند؟ و یا در مکزیکو به عنوان مثال، آلودگی هوا به مراتب از آلودگی ساکنان خود را سبب می گردد. از بین گذشته واقعیت نگران کننده آن است که در کشورهای صنعتی برای جلوگیری از افزایش آلودگی و کاهش تدریج آن تدابیری می اندیشند، در حالی که در بیشتر کشورهای غیر صنعتی هنوز این دشواری و راه های حل منطقی آن چنانکه دیده مود توجه واقع شده است.

جلوگیری از افزایش آلودگی و کاهش تدریج آن

برای جلوگیری از توسعه غیر منطقی شهرهای بزرگ در جهان سوم چه باید کرد؟

• کنترل جمعیت و ایجاد اشتغال در مناطق روستایی

• همان گونه که از این پیش ملاحظه شد شتابگیری آهنگ رشد جمعیت در کشورهای غیرصنعتی موثر در مناطق روستایی آنها و ناتوانی روستاها در نگاهداری و به کارگیری جمعیت افزوده شده خود از عوامل موثر در پدید آمدن شهرهای میلیونی از یک سو و افزایش امکانات اشتغال در مناطق روستایی از سویی دیگر، می توانند در جلوگیری از افزایش بی رویه جمعیت کار آمده باشد.

- بردن مهارت هایی به روستاها، متناسب با طبیعت و استعداد هر منطقه برای به کارگرفتن نیروی انسانی مازاد بخش کشاورزی از جمله اقداماتی است که باید صورت گیرد. برای این منظور البته لازم است مهارت هایی به روستاها برده شود که محصولات آنها روستا را ترک کرده راهی شهرها گردند نه خود صاحبان مهارت ها.

توزیع خدمات:

- بیشتر مناطق روستایی از برخی از خدمات اساسی که در شهرها ارائه می گردد یا کاملاً محرومند و یا چنانکه باید بهره مند نیستند، به ویژه خدمات بهداشتی و درمانی در روستاها چنانکه باید عرصه نمی شود و از این نظر تفاوتی چشمگیر میان روستا و شهر وجود دارد. کاستن از این فاصله روستاییان را به ماندن در روستا تشویق کرده از حجم مهاجرت آنان به سوی شهرها می کاهد.

خدمات بهداشتی و درمانی

کاهش فاصله درآمدهای شهری و روستایی

- در کشورهای غیر صنعتی میان درآمدهای مشاغل روستایی و شهری فاصله ای نسبتاً زیاد وجود دارد. روستاییان معمولاً توسط واسطه های شهری استثمار می شوند میان مبلغی که تولید کننده روستایی به عنوان بهای محصول خود دریافت می دارد و مبلغی که مصرف کننده شهری در برابر خرید آن محصول می پردازد، تفاوت زیاد است و این تفاوت در واقع همان مبلغی است که دو یا سه نفر دلال و واسطه که معمولاً شهری هستند، هر یک تنها در برابر چند ساعت کار به خود اختصاص داده اند.

واسطه های شهری

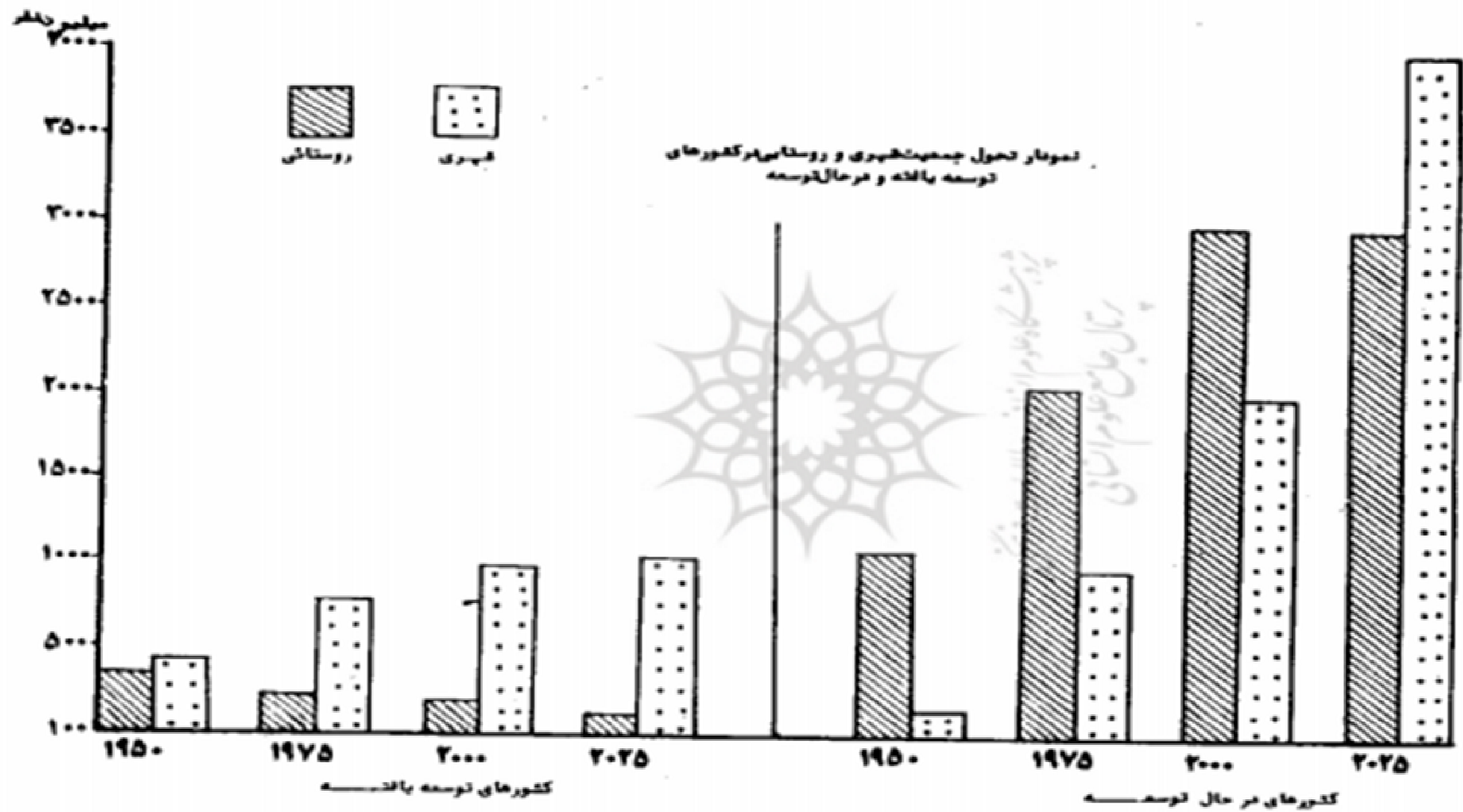
- سهم ناچیز تولید کننده روستایی از این مبلغ پاداش اوست برای چند ماه فعالیت پاره ای از مشاغل غیر رسمی شهری گرچه بسیار کم اهمیت به نظر می رسند ولی درآمدهایی را نصیب صاحبان خود می کنند که دسترسی به آنها در روستاها برای بسیاری از روستاییان غیر مقدور است،

- روستاییانی که در زادگاه خود با کم کاری یا بیکاری دائم روبرو هستند و در نتیجه درآمدی کافی حتی برای یک زندگی بسیار ساده روستایی ندارند. فواصل موجود میان درآمد مشاغل شهری و روستایی از جمله عوامل موثر در کشاندن روستاییان به سوی شهرها است تا زمانی که این فواصل وجود دارند و امید روستاییان به کسب درآمد در شهر به میزانی قابل ملاحظه بیش از درآمدی است که در روستا نصیب آنان می گردد کوشش در جهت مهار کردن امواج مهاجرت راه به جایی نخواهد برد (۷)

کم کاری یا بیکاری دائم

- البته توجه به شهرهای درجه دوم و سوم در کشورهای غیر صنعتی و ایجاد شهرک هایی در اطراف شهرهای بزرگ و نیز در مناطق روستایی از دیگر اقداماتی است که می تواند در جلوگیری از پدید آمدن و رشد بی رویه شهرهای میلیونی موثر افتد. به هر حال کشورها می توانند متناسب با اوضاع و شرایط و نیز امکانات خود اقداماتی را به منظور کاهش امواج مهاجرت به سوی شهرهای میلیونی به ویژه پایتخت ها مورد توجه قرار دهند و از افزایش بیشتر جمعیت و در نتیجه دشواری های این شهرها تا حدودی جلوگیری کنند.

ایجاد شهرک هایی در اطراف
شهرهای بزرگ



یادداشت ها

- (۱) پدید آمدن نخستین شهرها و تمدن در مناطقی چون کناره های نیل و بین النهرین که از اتسدادی استثنایی برای کشاورزی برخوردار بودند، دلیلی است آشکار بر وجود رابطه ای مستقیم ، انکار ناپذیر میان رونق کشاورزی یا شهرنشینی
- (۲) این جدول با تغییری اندک تا صفحه ۱۵ مجله l'express Aujourd'hui شماره ۱۶۹ مربوط به ماه های مارس و آوریل ۱۹۸۸ گرفته شده است.
- (۳) درباره جمعیت شهر مکزیکو در سال ۲۰۲۵ در منابع مختلف تفاوت هایی وجود دارد در برخی منابع برای سال ۲۰۰۰ جمعیتی معادل ۳۰ میلیون نفر برای این شهر پیش بینی می کند و در حالی که در منابعی دیگر این جمعیت برای سال ۲۰۲۵ پیش بینی شده است. با توجه به آهنگ رشد کنونی جمعیت مکزیکو و جمعیت فعلی آن، جمعیت حدود ۳۰ میلیون نفر برای سال ۲۰-۲۵ قابل قبولتر به نظر می رسد.

- (۴) جمعیت تهران طی ۳۰ سال ۱۳۳۵-۱۳۶۵ از ۱۵۳۰۹۱۳۵ نظر به ۶۰۴۳۵۵۴ نفر افزایش یافته است. میانگین رشد جمعیتی طی این مدت ۴/۶ درصد بوده سات. در صورتی که این میانگین رشد در سال های آینده برقرار بماند جمعیت تهران در حوالی سال ۲۰۰۰ میلادی ۱۱۳۴۱۳۹۰ و در ۲۰۲۵ بسیار رقم پیش بینی شده یعنی ۳۴۹۹۱۰۶۸۸۷ نفر خواهد بود.

- (۵) L'express Aujourd'hui شماره ۱۶ ماه های مارس و آوریل ۱۹۸۸ ص ۲۷
- (۶) هاری ریچاردسون، اسطوره کلان شهرها(مقاله) ترجمه کمال اظهاری، اطلاعات سیاسی-اقتصادی سال پنجم، شماره های چهارم و پنجم، بهمن و اسفند ۶۹
- (۷) مایکل تو دارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم(جلد اول) ترجمه دکتر غلامعلی فرجادی، ناشر وزارت برنامه و بودجه ، ۱۳۶۴، ص ۳۹۳

منابع

- ۱- وینسنت فرانسیس کاستللو، شهرنشینی در خاورمیانه، ترجمه پرویز پیران- عبدالعلی رضایی، نشر نی، تهران: ۱۳۶۸.
- ۲- فرخ حسامیان، گیتی اعتمادی، محمدرضا حائری، شهرنشینی در ایران، انتشارات آگاه، تهران: ۱۳۶۳.
- ۳- دکتر حسین شکویی، جغرافیای اجتماعی شهرها، انتشارات دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، تهران: ۱۳۶۵.
- ۴- دکتر حسین شکویی، محیط زیست شهری، تبریز: ۵۸.
- ۵- حبیب‌الله زنجانی- فریدون رحمانی، راهنمای جمعیت شهرهای ایران ۱۳۳۵-۱۳۷۰، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، تهران: ۱۳۶۸.
- ۶- مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، جلد اول، ترجمه دکتر غلامعلی فرجادی، ناشر، وزارت برنامه و بودجه، تهران: ۱۳۶۶.
- ۷- مقالات اولین سمینار فرهنگ و ترافیک، دانشگاه اصفهان: ۱۳۶۶.

- ۸- پل هرمون، درون جهان سوم، ترجمه شاداب وجدی، انتشارات فاطمی، تهران: ۱۳۶۴.
- ۹- پل بروک، جهان سوم در بن بست، ترجمه امیرحسین جهانگیر، انتشارات خوارزمی، تهران: ۱۳۵۳.
- ۱۰- حسین ادیبی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی شهری، انتشارات شبگیر، تهران: ۱۳۵۶.
- ۱۱- ماهنامه اطلاعات سیاسی- اقتصادی، سال پنجم، شماره‌های چهارم و پنجم، بهمن و اسفند ۱۳۶۹.